

اهداف چندگانه توسعه پایدار شهری

الف) برآورده کردن نیازهای فعلی

اقتصاددانان عملکرد نظام اقتصادی را با توجه به کارایی و برابری آن در برآوردن نیازهای اقتصادی مانند دسترسی به سطح زندگی مناسب یا ثروت مولد یا کارا و همچنین امنیت اقتصادی مردم می‌سنجند. یکی از مشکلات شهری وجود فقر ناشی از کمی درآمد است که نمونه آن را در زاغه‌نشین‌ها و حلبی‌آبادها می‌بینیم. حذف فقر در یک کشور یا شهر با رشد کلی اقتصاد آن کشور و توزیع مجدد درآمد و ثروت با حربه سیاست‌های پولی و مالی امکان‌پذیر است که اشتغال کامل و رشد اقتصادی را تشویق می‌نماید. بنابراین توسعه پایدار شهری برای از بین بردن فقر شهری همگام با اقتصاد کشور عمل می‌کند و اجرای برخی طرح‌های شهری فقط می‌تواند به صورت مسکن عمل نماید. توزیع عادلانه درآمدها و ثروت و افزایش سطح اشتغال، استفاده از تحصیل، بهداشت و درمان، مسکن و رفاه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست را به همراه دارد. به نظر عده‌ای از محققان مهم‌ترین نیازهای جامعه انسانی بدین شرح است:

۱- بهداشت و درمان

۲- آموزش

۳- ایجاد شرایط مناسب کار

۴- ایجاد اشتغال

۵- الگوی مصرف و پس انداز

۶- حمل و نقل

۷- مسکن

۸- پوشاک

۹- گذران اوقات فراغت

۱۰- تامین اجتماعی

۱۱- آزادی و تحرک اجتماعی

ب) نیازهای اجتماعی-فرهنگی و بهداشتی

تصور ذهنی و درک محیطی هر پروژه اجتماعی در مطلوبیت بخشیدن به محیط زیست شهری با سایر گروه‌های اجتماعی تفاوت دارد. بدین سان که گروه‌ها از شهر انتظارات مختلفی دارند و به تقاضای گوناگون می‌اندیشند. رفتار و نگرش و عقاید اجتماعی-سیاسی و فرهنگی مردم تحت تاثیر محله مسکونی، سن، نوع اشتغال و نگرش اعتقادی و اقتصاد خانواده‌ها است. یعنی قطاع-های شهری بر مبنای میزان درآمد، تحصیلات، شغل و ... شکل می‌یابد.

نیازهای اجتماعی و فرهنگی به طور خلاصه به شرح ذیل است:

۱- آزادی بیان و اندیشه

۲- مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها

۳- امکانات آموزشی و تحصیلی

۴- گذران اوقات فراغت

۵- فعالیت‌های سیاسی و صنفی

۶- محیط شهری بدون آلودگی و فشار روانی

ج) نیازهای سیاسی

در تحلیل فضای جغرافیای شهری، تصمیمات سیاسی-محلی و نتایج حاصل از آن در کیفیت زندگی مردم شهر تاثیر قابل توجهی دارد. این به خصوص در اقتصاد برنامه ریزی شده و متمرکز شده دولت به عنوان بازیگر اصلی در امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مشخص است. در جوامع سرمایه‌داری امور رفاهی بیش تر به مردم واگذار می‌گردد و نقش مردم در سیاست کلی دولت کم است. مشارکت در سیاست‌های ملی و تصمیمات مربوط به مدیریت و توسعه، مهم و اجرای آن در چارچوب وسیع تری که ضامن احترام به حقوق مدنی و سیاسی و اجرای قوانین محیطی الزامی است.

از نظر گلداسمیت، رسانه‌ها، احزاب و گروه‌ها، ارتباط دهنده نظرات مردم به تصمیم گیرندگان و بالعکس می‌باشد.

با توجه به مشکلات ساختاری کشورها و هزینه‌های اجتماعی و فرهنگی، نقش مردم به عنوان یک اصل محسوب می‌شود و مشارکت در امور سیاسی جز برنامه‌های سیاسی دولت‌هایی است که سعی در کوچک کردن حجم دولت را دارند. شهر به عنوان یک واحد رسمی و یا غیر رسمی سیاسی، دارای ابعاد مختلفی است که بدان اشاره می‌گردد:

۱- استقلال سیاسی و اقتصادی

۲- حوزه فضایی و قلمرو قدرت

۳- سازمان‌های دولتی و گروه‌های فشار

۴- سرمایه

۵- نیروی کار

۶- خانواده‌های شهری

۷- پایان راه به خصوص در کشور جهان سوم کیفیت زندگی شهری بسته به کیفیت عرضه خدمات دولتی است (همان منبع)

د) به مخاطره نیانداختن توانایی نسل آینده در برآوردن نیازهایشان

۱- حداقل اسراف و تبذیر از منابع غیرقابل تجدید. (سوخت فسیلی، مسکن، صنعت و حمل و نقل و ...)

۲- به حداقل رساندن استفاده از منابع معدنی کمیاب و نگهداری دارایی‌های فرهنگی و تاریخی و طبیعی، پارک‌ها و مناظر طبیعی که فضا را برای تفریح و اوقات فراغت مناسب می‌سازد.

۳- استفاده پایدار از منابع بازیافت: منابع قابل شرب و تمیز در سطوحی که بتوان تامین کرد، حفظ و خودداری کردن از آلودگی

۴- ضایعات فسادپذیر محیطی بیش از ظرفیت قابل احیا نباشد.

۵- ضایعات فسادپذیر غیرحیاتی نباید بیش از ظرفیت‌های محلی و جهانی باشد.